

# شورای حقوق بشر: از بازبینی ساختاری تا فراگیری و بازبینی محتوایی

مهدی ذاکریان

دکتر مهدی ذاکریان، استاد مدعو دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا  
هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات mzakerian@law.upenn.edu

تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۱۱/۱۵

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هشتم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۹۳-۱۱۵.

## دیباچه

هنگامی که در دهم دسامبر سال ۱۹۸۴، خانم الناروزولت<sup>۱</sup> با چکش چوبی خود تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر را بر میز پیش روی می‌کوبید، همگان دیدگاهی تأییدکننده از اعلامیه ۳۰ ماده‌ای داشتند که هنوز هم بسیاری از فعالان و پژوهشگران حقوق بشر به فراگیری و جهان‌شمولی آن پای می‌فشارند. ولی گزارش گروه بلندپایه دبیرکل پیرامون تهدیدها، چالش‌ها و تغییر برای منشور ملل متحد سبب شد تا پرسش‌هایی در موضوع تغییر و اصلاح پیرامون حقوق بشر نیز پدیدار شود. اینکه آیا حقوق بشر هم می‌تواند چه به شیوه بسترهای مفهومی و محتوایی و چه به شیوه سازمانی و عملکردی دستخوش تغییر و تحول شود؟ بررسی گزارش گروه کاری، نوشتار دبیر کل، پیش‌نویس رئیس مجمع عمومی و مصوبه سران در نشست سپتامبر ۲۰۰۵ مجمع عمومی نشان می‌دهد که بیشتر تغییرات مورد نظر به موضوع تغییر و تحولات نهادی و ساختاری در موضوع حقوق بشر باز می‌گردد تا تحولات مفهومی و بازبینی محتوایی. به همین دلیل است که همه نوشتارهای یاد شده در زمینه اصلاحات حقوق بشری ملل متحد تنها به جایگزینی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر ملل متحد پرداخته‌اند تا بازبینی محتوایی. با این همه، دور از انتظار نیست که تغییرات مفهومی نیز در بستر تغییرات نهادی پیش آید.

مقاله پیش‌رو، با در نظر داشتن این داده‌ها، پرسش کلیدی زیر را ارائه می‌کند که آیا تحولات پیشنهادی ساختاری و نهادی حقوق بشر در منشور یا دست‌کم در سازمان ملل متحد به فراگیری حقوق بشر و پیشرفت واقعی آن در قرن کنونی می‌انجامد؟

1. Elena Roosevelt

نویسنده با بهره‌گیری از مفاد منشور ملل متحد، نگاه به ساختار کنونی سازمان ملل متحد، گزارش گروه بلندپایه، کتاب دبیرکل در آزادی بزرگ‌تر، پیش‌نویس سند رئیس مجمع عمومی و مصوبه سران در ششمین نشست مجمع عمومی در سپتامبر سال ۲۰۰۵ این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که شورای حقوق بشر پیشنهادی تنها یک تغییر ساختاری درحالی‌که فراگیری حقوق بشر در قرن پیش رو منوط به تحولات ساختاری است حقوق بشر همراه با بازبینی تحولات مفهومی و بازخوانی اعلامیه جهانی حقوق بشر است. تلاش پژوهش بر این است که موضوع کارایی و فراگیری اصلاحات ساختاری ملل متحد در موضوع حقوق بشر به واسطه این فرضیه مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مفروض پژوهش این است که ملت‌ها و نخبگان کشورهای جنوب به‌رغم اصلاحات پیشنهادی همچنان نگران تأمین منافع و خواسته‌های حقوق بشری خویش در اصلاحات ساختاری ملل متحد هستند. همچنین به بسیاری از نگرانی‌ها و خواسته‌های کشورهای جنوب به ویژه حوزه تمدن ایرانی، جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی در این اصلاحات به هیچ‌وجه توجهی نشده است.

## منشور ملل متحد

### الف - اهداف منشور

پیشینه دو جنگ خانمان‌سوز در آغاز قرن بیستم، رشد فکری و عقلانی در موضوعاتی مانند حقوق زنان، استقلال کشورها، پیشرفت اقتصادی و سرانجام خواست کشورهای پیروز در جنگ بر قرار گرفتن حقوق بشر در کنار مؤلفه‌های امنیت، دادگستری و همکاری‌های اقتصادی - اجتماعی دست به دست هم دادند تا منشور ملل متحد به حقوق بشر هم توجه کند.<sup>(۱)</sup> در واقع، حقوق بشر در منشور ملل متحد به عنوان یک هدف و اصل والای جامعه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است بدین صورت که:

«ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی، افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان

۱. واژه پیشرفت بر گردان پارسی development است که به نادرستی در بسیاری از متون ما به معنای توسعه آمده است.

نموده و با اعلام دوباره ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و برابری حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها چه کوچک و چه بزرگ و ایجاد شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر... تشریک مساعی می‌نماییم»<sup>(۳)</sup>

آنگاه پس از این دیباچه، منشور ملل متحد در بسیاری از مفاد ۱۱۱ گانه خود به موضوع حقوق بشر پرداخت. چنانکه در بند ۳ ماده ۱ اشعار می‌دارد: «پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر از اهداف ملل متحد است.»<sup>(۴)</sup> منشور همچنین در فصل نهم مربوط به همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی ذیل بند ج ماده ۵۵، سازمان ملل متحد را ملزم به تشویق و احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه افراد بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب می‌کند.<sup>(۵)</sup> سپس منشور، مهم‌ترین فراز خود را در تعهد فردی یا دسته جمعی ملل متحد نسبت به نیل به موضوع حقوق بشر در ماده ۵۶ مطرح می‌کند و اشعار می‌دارد: «کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته‌جمعی معمول دارند.»<sup>(۶)</sup>

### ب - ارکان سازمان

منشور ملل متحد، ارکان سازمان ملل را نیز به گسترش حقوق بشر موظف می‌دارد. چنانکه در بند ب ماده ۱۳ مجمع عمومی را به انجام امور زیر موظف می‌کند: «ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب»<sup>(۷)</sup> رکن دیگر سازمان ملل که به طور ویژه درگیر موضوع حقوق بشر می‌باشد، شورای اقتصادی و اجتماعی است. برپایه بند ۲ ماده ۶۲ منشور، ذیل وظایف و اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی آمده است: «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی بنماید»<sup>(۸)</sup> به همین دلیل برپایه ماده ۶۸ منشور ملل متحد «شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون‌هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق

بشر، همچنین هرگونه کمیسیون‌های دیگری که جهت اجرای وظایفش ضروری است، تأسیس می‌کند.»<sup>(۸)</sup> کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد هم برپایه همین اصل راه‌اندازی شد و هم‌اکنون به عنوان یکی از ارگان‌های مهم حقوق بشری سازمان ملل متحد در دو زمینه زیر فعالیت می‌کند:

۱. تصویب پیمان‌نامه‌ها و قوانین حقوق بشری؛ ۲. نظارت و کنترل بر اجرای حقوق بشر.<sup>(۹)</sup>

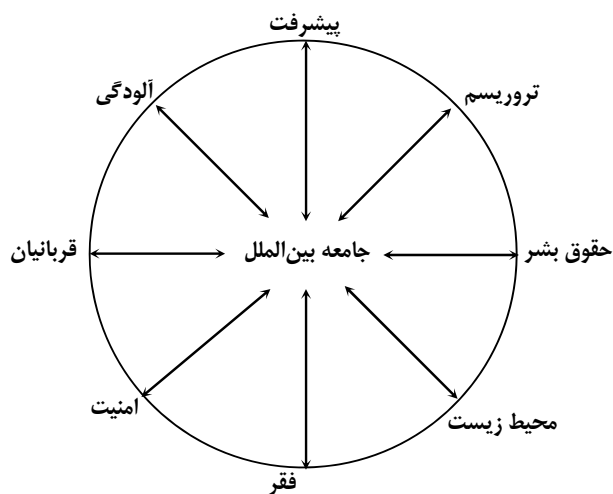
همچنین در منشور ملل متحد به یکی دیگر از ارکان سازمان ملل متحد به نام شورای قیمومیت هم توصیه شده است که به حقوق بشر توجه کند. در بند ج ماده ۷۶ منشور، ذیل نظام قیمومیت بین‌المللی آمده است: «ماده ۷۶ - هدفهای اساسی نظام قیمومیت بر طبق مقاصد ملل متحد به شرح مندرج در ماده یک منشور عبارت است از: ج - تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه افراد بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمندند.»<sup>(۱۰)</sup>

### ساختارهای پیشنهادی جدید

گروه ویژه دبیرکل در بررسی موضوع تغییرات و اصلاحات ساختاری ملل متحد در گزارش: (جهانی امن‌تر: مسئولیت همه ما) به درستی به این نکته اشاره می‌کند که مسائل جهانی به یکدیگر گره خورده و در هم تنیده‌اند. آنان راست می‌گویند که نابودی تروریسم با نبود حقوق بشر شدنی نیست و پیشرفت و فقر در موضوع حکومت خوب<sup>۱</sup> و حقوق بشر ریشه دارند.<sup>(۱۱)</sup> موضوعی که بانیان و مؤسسان سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ به فراموشی سپردند، گروهی از سیاستمداران و برجستگان فکری و عملیاتی بین‌المللی در آغاز هزاره نوین بشری به همه ما یادآوری کردند. ولی آنها نیز به جای اینکه تغییرات ساختاری در ملل متحد را در راستای گره زدن به همین مسائل دنبال کنند، تنها به تغییر و تحول ساختارهایی پرداختند که حقوق بشر باختزمین را جهان‌شمول کند، نه اینکه شهروندان جنوب را مشمول بهره‌گیری از حقوق بشر جهانی

1. Good Governance

کند. به‌رغم اینکه شمار کشورهای دموکرات جامعه بین‌المللی طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ از ۹۳ کشور به ۱۴۷ کشور افزایش یافت<sup>(۱۲)</sup> و بدون شک شمار کشورهایی که به دموکراسی و حقوق بشر نگاه می‌کنند، نیز همچنان در حال افزایش است، ولی گزارش گروه کاری و همچنین ساختارهای پیشنهادی، تنها خواست شمار اندکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد را برآورده می‌سازد. در این ساختارهای پیشنهادی و در گزارش مربوط به موضوع در هم تنیده بودن فقر، دموکراسی، تروریسم، پیشرفت و حقوق بشر - که در یک دایره قرار دارند - به شیوه کلان و ساختار مبتلا به جامعه بین‌المللی نگاه نشده است، بلکه موضوع حقوق بشر از آن دایره بیرون کشیده شده و ساختاری تازه و ویژه برای آن ترسیم گشته است. (بنگرید به دایره شماره ۱)



در گزارش گروه ویژه دبیرکل با عنوان «جهانی امن‌تر: مسئولیت همه ما» ضمن اشاره به موضوع در معرض تهدید قرار گرفتن مشروعیت کمیسیون حقوق بشر که به اعتبار سازمان ملل هم لطمه می‌زند<sup>(۱۳)</sup> به گره خوردن حقوق بشر با تروریسم،<sup>(۱۴)</sup> شورای امنیت با دیوان کیفری بین‌المللی<sup>(۱۵)</sup> و مداخله نظامی شورای امنیت با نسل‌کشی<sup>(۱۶)</sup> می‌پردازد. آنگاه گزارش به طور ویژه موضوع تغییر در ساختارهای حقوق بشری سازمان ملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. سازمان ملل متحد از سال ۱۹۴۵ به آفرینش

سازوکارهای حقوق بشری پرداخت و هم‌اکنون به ساختار پیوست (شکل شماره ۱) رسیده است.<sup>(۱۷)</sup> در این ساختار دو فرایند قوی ذیل وجود دارند:

الف - فرایند قانون‌گذاری و ساخت هنجارهای حقوق بشر؛

ب - فرایند پشتیبانی، ترویج و نظارت.<sup>(۱۸)</sup>

گروه کاری دبیرکل برای بهتر شدن آن ساختار، چندین پیشنهاد کلیدی را ارائه کرده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱) ارتقای ظرفیت‌های کمیسیون حقوق بشر؛<sup>(۱۹)</sup> ۲) تبدیل توجه سیاسی کشورها به توجه واقعی و جوهری نسبت به کمیسیون حقوق بشر؛<sup>(۲۰)</sup> ۳) پشتیبانی دولت‌های عضو از دبیرکل و کمیسر عالی حقوق بشر به منظور قرار دادن حقوق بشر در موضوع کار فعالیت‌های سازمان ملل متحد و گسترش نهادهای حقوق بشری کشورها؛<sup>(۲۱)</sup> ۴) تبدیل عضویت در کمیسیون حقوق بشر به یک عضویت جهان‌شمول و فراگیر؛<sup>(۲۲)</sup> ۵) قرار گرفتن کارشناسان، پژوهشگران و متخصصان برجسته حقوق بشر هر کشور در رأس هیئت‌های اعزامی دولت‌های عضو به کمیسیون حقوق بشر؛<sup>(۲۳)</sup> ۶) پشتیبانی فعالیت‌های کمیسیون از سوی یک هیئت یا شورای مشورتی متشکل از پانزده کارشناس مستقل برای یک دوره سه ساله؛<sup>(۲۴)</sup> ۷) ارائه گزارش سالانه حقوق بشر از سوی کمیسر عالی حقوق بشر؛<sup>(۲۵)</sup> ۸) درخواست شورای امنیت و کمیسیون نهادینه‌سازی صلح از کمیسر عالی در ارائه گزارش منظم به آنها پیرامون اجرای قواعد حقوق بشری قطعنامه‌های شورای امنیت؛<sup>(۲۶)</sup> ۹) ارتقای بودجه دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر؛<sup>(۲۷)</sup> ۱۰) ارتقای کمیسیون حقوق بشر به شورای حقوق بشر به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد که با شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) و شورای امنیت هم‌وزن باشد.<sup>(۲۸)</sup> به عبارتی برپایه این پیشنهاد، شورای حقوق بشر در جای کمیسیون حقوق بشر قرار گیرد تا به عنوان یک رکن اصلی ملل متحد یا نهاد فرعی مجمع عمومی عمل کند. بدین ترتیب اعضای آن به شیوه مستقیم از سوی مجمع عمومی با ۲/۳ آرای بیشترین حاضران انتخاب می‌شوند. در نتیجه، ایجاد شورای حقوق بشر سبب تقویت و اقتدار حقوق بشر در سازمان ملل متحد می‌شود. منتخبان در شورا نیز باید همواره از استانداردهای حقوق بشری پیروی کنند.

### تغییر در منشور، بقا در اعلامیه

زنه‌یاد دکتر غلامعلی سیار سال‌های بسیاری نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد را مدیریت می‌کرد. او برای ما از این سازمان می‌گفت و به یاد دارم که زمانی از منشور ملل متحد به عنوان انجیل آسمانی واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل یاد می‌کرد. اما زمان نشان داد که آیات این انجیل هم می‌تواند دستخوش تغییر شود. به‌رغم اینکه طراحان منشور ملل متحد تلاش کردند تا یک نظام واقع‌گراتر از جامعه ملل به وجود آورند<sup>(۲۹)</sup> ولی منشور ملل متحد هم‌اکنون دستخوش تغییر است. برپایه دو گزارش گروه کاری و دبیر کل، نزدیک به ۴۰ مورد اصلاح در منشور و ساختار ملل متحد پیش‌بینی شده است. همچنین فصل سیزدهم منشور که دربرگیرنده مفاد ۸۶ تا ۹۱ است، دیگر کاربردی ندارد و شورای قیمومیت که هم‌اکنون یکی از ارکان شش‌گانه اصلی ملل متحد است باید برچیده شود.<sup>(۳۰)</sup> گذشت زمان، نیازهای جدید مردم جهان و رویدادهای تازه هزاره نوین همگی بر این بازمینی دامن می‌زنند. اما چگونه است هنگامی که این انجیل می‌تواند دستخوش تغییر شود، اعلامیه جهانی حقوق بشر همچون کتاب مقدسی می‌ماند که جز پاکیزگان، دیگران نمی‌توانند آن را لمس کنند؟ و جالب‌تر اینکه آن پاکیزگان کسانی نیستند، جز واحدهای سیاسی باخت‌زمین که دست‌کم و به روشنی در بیرون از مرزهای خویش، کارنامه روشنی از حقوق بشر ندارند و ردپای نابه‌جایی از آن دارند. حتی در درون مرزهای آنها نیز باید کمی تأمل کرد، چرا که آنها دارای کاستی‌های فراوانی در زمینه حقوق بشر هستند. آنها در زمینه حقوق مهاجران، حقوق پناهندگان، حقوق کار و امور اجتماعی، حقوق زنان و پیوستن به پیمان‌نامه‌های نسل دوم و سوم حقوق بشر دچار چالش و کاستی هستند. با این همه، آنها همواره خود را برترین کشورهای گردونه استانداردهای حقوق بشری می‌دانند. کسانی که حتی به دیگران اجازه نمی‌دهند که درباره اعلامیه و حتی بهتر شدن آن سخنی به میان آورند. این در حالی است که اعلامیه واقعاً نیازمند تحول و پویایی است.

به‌رغم اینکه برخی از پژوهشگران و دانشمندان حقوق بشر به جهان‌شمولی این اعلامیه می‌بالند، اما این اعلامیه از سوی مردمی تهیه شد که از یک پنجره ویژه به دنیا می‌نگریستند.<sup>(۳۱)</sup> اعلامیه در شرایط ویژه‌ای تهیه شد و نتوانست تمامی خواسته‌های

جامعه بین‌المللی را برآورده سازد. اعلامیه جهانی حقوق بشر از حقوق مثبت و ویژه زنان هیچ سخنی به میان نیاورده و هیچ گفته‌ای از حق پیشرفت ندارد، یا هیچ واژه‌ای از حق صلح و برخورداری از صلح و امنیت در کنار پیشرفت و حقوق بشر ندارد و در هیچ کجای آن به حق محیط زیست و حقوق دینی و مذهبی اشاره نداشته است. پس چگونه است که این اعلامیه نمی‌تواند دستخوش تغییر شود؟ البته آنها بر این باورند که هر مسئله دیگری که به آن نیازمند بوده‌ایم، در کنار اعلامیه آورده‌ایم. نزدیک به دوازده پیمان‌نامه حقوق بشری که به طور روشن دو پیمان‌نامه حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاستی‌های اعلامیه را می‌پوشانند، به تصویب رسیده‌اند. اما هنگامی که اعلامیه به تصویب رسید، تنها ۵۶ کشور، ملت‌های خویش را در ملل متحد نمایندگی می‌کردند.<sup>(۳۳)</sup> هنگامی هم که پیمان‌نامه‌های دوگانه به تصویب می‌رسید، ما در برهه جنگ سرد به سر می‌بردیم و باز هم شمار کشورها بسیار اندک بود و البته در حالت بلوک‌بندی شده قرار داشتند. حال آنکه هم‌اکنون ۱۹۱ کشور، مردمان خود را در سازمان ملل متحد نمایندگی می‌کنند. فزونی و گوناگونی ملت‌ها در سازمان ملل متحد، حقوق گوناگون و دگرگونی را می‌طلبد. اما به‌رغم تمامی این مسائل، گزارش دبیرکل خواهان کوچک شدن کمیسیون حقوق بشر به شورای حقوق بشر است. درحالی‌که هر نهاد تازه حقوق بشری باید علاوه‌بر نمایندگی جغرافیایی، نمایندگی فرهنگی و سیاسی ملت‌های جهان را نیز در بر داشته باشد، ولی با کوچک شدن کمیسیون به شورای حقوق بشر و یا داشتن همان تعداد اعضای پیشین بیم آن می‌رود که همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها در دو موضوع مهم استانداردسازی و نظارت بر اجرای حقوق بشر نقش‌آفرینی نکنند.

جهان اسلام و به طور ویژه تمدن ایرانی و ایران، اکنون گفته‌های تازه‌ای در زمینه حقوق خانواده، حقوق زنان، حقوق کودک، حق پیشرفت و محیط زیست دارند. این موضوع، بحث بازنگری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و مشارکت تمامی کشورها و ملت‌ها در کمیسیون یا هر نهاد حقوق بشری را زنده می‌کند. ضمن اینکه تغییر ساختارهای حقوق بشری ملل متحد، هنگامی پذیرفتنی است که ساختار همراه با متن متحول شود. اما گروه کاری، دبیرکل و پیش‌نویس رئیس مجمع عمومی خواهان آن

است که محتوا همچنان باقی بماند و ساختار متحول شود. به خصوص، ساختاری که بیشتر در مدار بهره‌برداری باخترزمین قرار دارد تا تمامی فرهنگ‌ها و کشورها. این امر بدین مفهوم است که باخترزمین همواره تعریف ویژه خویش از حقوق بشر را نگه می‌دارد و برای نظم دادن به دیگران، ابزارهای تازه‌ای می‌سازد.

پیشنهاد بنیانگذاری شورای حقوق بشر درحالی‌که هنوز هیچ پیمان‌نامه‌ای در زمینه حق پیشرفت و حقوق خانواده و دیگر نیازهای به روز بشری به تصویب نرسیده است، بیشتر به سود باخترزمین است تا به سود حقوق بشر جهانی. تأمل در مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های پس از آن، نشان‌دهنده اثرگذاری رقابت‌های دوران جنگ سرد و یک‌جانبه‌جویی باخترزمین بر مفاد اعلامیه و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری است. حتی ترکیب کمیسیون حقوق بشر، گزارشگران ویژه و موضوعی، ریاست کمیساریای عالی حقوق بشر و کارکنان کمیساریا از رویه ویژه‌ای پیروی کرده و می‌کند. در این میان فرصت‌ها به طور برابر در اختیار همه فرهنگ‌های حقوق بشری قرار نگرفته‌اند، حتی میزان مشارکت کشورهای جنوب به ویژه ایران و حوزه تمدن ایرانی در پیمان‌نامه‌های تازه حقوق بشری و یا پروتکل‌های پیوست به آنها روشن و پررنگ نیست. این در حالی است که گروه کاری و دبیرکل خواهان عضویت و مشارکت فعال کشورها در راستای همان محتوایی هستند که تاکنون می‌نوشتند و انجام می‌دادند. اینجاست که دیدگاه «بازبینی در ساختار آری، بازبینی در اعلامیه نه»، برجسته می‌شود.

ایران، کشورهای حوزه تمدن ایرانی، کشورهای جنوب و اسلامی باید بر هر دو موضوع «بازبینی در ساختار و محتوا» پای فشارند تا دیگر نیازهای به روز بشری هم در این فرایند مورد توجه قرار گیرند. تغییرات ساختاری کنونی تنها به افزایش جایگاه حقوق بشر باخترزمین در ملل متحد کمک می‌کند و جایگاهی برای تفسیر ویژه ما از موضوع حقوق بشر قرار نمی‌دهد. حال آنکه نهادهای نوین حقوق بشری (هر آنچه می‌خواهد نامش باشد) باید به گونه‌ای بنیان نهاده شوند که فرصت برابر برای همه کشورها، ملت‌ها و فرهنگ‌ها برای موضوع استانداردسازی و قانون‌سازی در حقوق بشر فراهم آید. همچنین سازوکار کنترل و نظارت بر حقوق بشر باید همانند سازوکار هیئت منصفه یک دادگاه عمل کند. یعنی همان‌گونه که هیئت منصفه یک دادگاه برابر با حقوق

عرفی برآیند داوری افکار عمومی و برداشت جامعه درباره عملکرد یک فرد است، سازوکار نظارتی حقوق بشری ملل متحد هم باید همانند یک هیئت منصفه بازتاب و برآیند داوری جامعه بین‌الملل و برداشت جهانی از عملکرد یک کشور یا واحد سیاسی در موضوع حقوق بشر باشد.

### گزارش دبیر کل

برپایه گزارش گروه کاری و همچنین واکنش‌های گوناگونی که نسبت به آن پدید آمد، دبیرکل سازمان ملل متحد کتاب: «در آزادی بزرگ‌تر: به سوی پیشرفت، امنیت و حقوق بشر برای همه» را در مارس ۲۰۰۵ به چاپ رساند. این کتاب طی شش گفتار، جستارهایی از گزارش گروه ویژه دبیرکل را با اعلامیه اهداف پیشرفت هزاره در هم آمیخته است.<sup>(۳۳)</sup> اهمیت و تأثیر چندجانبه‌گرایی و نقش یگانه ملل متحد در پیشرفت، امنیت و حقوق بشر در این کتاب دوباره مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>(۳۴)</sup> این گزارش، همان مبنای تحولات ساختاری پیشنهادی سازمان ملل متحد است که سران کشورها در سپتامبر ۲۰۰۵ باید نسبت به آن تصمیم‌گیری می‌کردند. در واقع این گزارش مبنای تهیه سند پیشنهادی است که از سوی رئیس مجمع عمومی فراهم و ارائه گردید. کشورهای عضو از این فرصت برخوردار بودند که پیشنهادها و اصلاحیه‌های مورد درخواست خود را در این متن وارد کنند. رایزنی‌های کشوری، منطقه‌ای و دسته‌بندی‌های سیاسی می‌توانست بر تنظیم این اعلامیه پیشنهادی اثرگذار باشد. جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌های خود را در این باره آغاز کرد و نماینده دائم کشورمان در سازمان ملل به این نکته اشاره کرد که پیش‌نویس سند ارائه شده از سوی رئیس مجمع عمومی در صورت رفع اشکالات کنونی آن می‌تواند پایه مناسبی برای تلاش در جهت رسیدن به سندی قابل پذیرش برای نشست سران باشد.<sup>(۳۵)</sup>

نکته برجسته در این آن است که موضوع حقوق بشر به شدت، گزارش دبیرکل را تحت تأثیر قرار داده است. در این گزارش، این موضوع مورد تصریح قرار گرفته که هدف از ایجاد سازمان ملل متحد، اطمینان نسبت به احترام به حقوق بنیادی بشر است.<sup>(۳۶)</sup> همچنین این نکته هم مورد توجه است که پیشرفت، امنیت و حقوق بشر

هریک دیگری را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد.<sup>(۳۷)</sup>

ساختار گزارش به گونه‌ای است که این استنباط برای هر خواننده‌ای پدید می‌آید که حقوق بشر سرآغاز و دیباچه هر امری است که ملل متحد خواهان آن است. آزادی از نیاز، ترس و زندگی در کرامت انسانی دیباچه دستیابی به اعتبارافزایی سازمان ملل متحد و ارکان آن هستند و دبیرکل با چنین ادبیاتی، موضوع تجدیدنظر در منشور و سازمان ملل متحد را مطرح می‌کند. گفتار چهارم این گزارش «رهایی برای زندگی با کرامت» سه مؤلفه اصلی را در بر دارد که عبارتند از:

الف - حاکمیت قانون؛

ب - حقوق بشر؛

ج - دموکراسی.

بازسازی ساختاری حقوق بشر در گفتار پنجم، ریشه در بسترسازی‌های این گفتار (چهارم) دارد. در این گفتار طی مؤلفه ب یعنی حقوق بشر؛ دبیرکل چند مسئله را بسیار مهم دانسته است که عبارتند از: افزایش جایگاه حقوق بشر در ملل متحد، توجه به نقش کمیسر و کمیساریای عالی حقوق بشر، پیوند شورای امنیت و کمیسر عالی حقوق بشر، کمک‌های تکنیکی برای ارتقای حقوق بشر، نقش دولت‌های عضو برای تأمین منابعی که به ایفای بهتر مأموریت کمیساریا کمک کند و هماهنگی در چگونگی ارائه گزارش کشورهای عضو به سازوکارهای قراردادی حقوق بشری سازمان ملل متحد و به ویژه بازبینی، یکسان‌سازی، هماهنگی و تقویت نهادهای حقوق بشری ملل متحد مانند کمیسیون و نهادهای دیگر.<sup>(۳۸)</sup>

همچنین در بخش پنجم این گزارش، شورای حقوق بشر به عنوان یک رکن جدید ملل متحد پیشنهاد می‌شود. در این بخش همانند گزارش گروه کاری منصوب از سوی دبیرکل، ضمن بیان تاریخچه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های ارزنده کمیسیون حقوق بشر در آغاز فعالیت این نهاد، به وضعیت کنونی و عملکرد دولت‌های عضو کمیسیون انتقاد می‌شود. سپس این مطلب عنوان می‌شود که اگر کشورهای عضو جامعه بین‌المللی برای حقوق بشر به اندازه پیشرفت و امنیت، ارزش قائل هستند باید شورای حقوق بشر را در جای کمیسیون حقوق بشر قرار دهند تا به عنوان یک رکن اصلی ملل متحد یا نهاد

فرعی مجمع عمومی عمل کند و اعضای آن مستقیماً از سوی مجمع عمومی با دو سوم بیشترین آرای حاضران انتخاب شوند. ایجاد شورا، موجب تقویت و اقتدار حقوق بشر در نظام ملل متحد می‌شود. انتخاب‌شدگان در شورای حقوق بشر باید همواره از استانداردهای حقوق بشر پیروی کنند.<sup>(۳۹)</sup> گفتنی است که برای این شورا از لحاظ سازمانی و ارگانیک جایگاه ویژه و بالایی در بدنه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده است. ولی همین شورا در بر گیرنده شمار بسیار اندکی از کشورهاست و فراگیر و جهان‌شمول نمی‌باشد.

### دشواری‌ها و چالش‌ها

در آغاز ضروری است نگاهی به ساختار پیشین و پیش روی حقوق بشر ملل متحد بیندازیم و آنگاه خودمان را به جای یک قربانی نقض حقوق بشر قرار دهیم. این قربانی چگونه می‌تواند فریاد خود را به گوش سازمان ملل متحد برساند؟ اصلاً کارگزاری‌های سازمان ملل متحد، دستگاه‌های دیوان‌سالاری بیش نیستند که به موضوع حقوق بشر بیشتر نگاهی نخبه‌گرایانه دارند. تلاش آنها معطوف به گفت‌وگو و ملاقات با برخی مسئولان، مقامات کشوری و لشکری، ترجمه چند سند و اعلامیه و همکاری‌های تعریف‌شده با نهادهای دولتی و غیردولتی تعریف شده‌ای است که بودجه ارسالی در نظر گرفته شده را هزینه کنند و آنگاه گزارشی تهیه و به نیویورک ارسال دارند. سازوکار پیچیده حقوق بشری سازمان ملل متحد نیز به اندازه‌ای گسترده و به هم وابسته است که حتی دانشگاهیان ما درباره برخی از نهادهای آن دچار اشتباه می‌شوند. هنگامی که تمایز میان کمیته حقوق بشر با کمیسیون حقوق بشر و کمیساریای عالی حقوق بشر برای برخی از دانش‌آموختگان دانشگاهی ما روشن نیست، چگونه یک قربانی نقض حقوق بشر که شهروند یکی از کشورهای جنوب است، می‌تواند به سازمان ملل متحد رجوع کند؟ ضمن اینکه سازمان ملل متحد بیشتر یک نهاد حکومتی، میان‌کشوری و سیاسی است تا یک نهاد دادرسی برای حقوق افراد. در این سازمان، کشورهای شمال دارای حق حاکمیت مستقل هستند و هیچ کشوری حق دخالت در امور داخلی آنها را ندارد ولی کشورهای جنوب در دنیای جهانی شده باید از حق حاکمیت چشم‌پوشی کنند.

حتی با این سناریو هم سازمان ملل متحد هیچ کمک مستقیمی به قربانی نقض حقوق بشر نمی‌تواند بکند. سناریوی بالا نشان می‌دهد که سازوکار حقوق بشری سازمان ملل بیشتر سیاسی است تا حقوقی یا قضایی. در واقعه سازمان ملل در این زمینه - در گذشته و حتی در آینده بازنگری شده‌اش - دچار کاستی است.

در گذشته، سازمان ملل متحد نزدیکی و دوری به استانداردهای حقوق بشری یک کشور را برپایه رهیافت‌های سیاسی آن کشور در نظام بین‌الملل تعریف می‌کرد و ساختار پیشنهادی کنونی نیز امری جز این نیست. دبیرکل در طرح خویش، عضویت در شورای حقوق بشر را منوط به شرط احترام به بالاترین استانداردهای حقوق بشر نموده است، درحالی‌که مسئله این است که چگونه این شرط‌ها مشخص می‌شود.<sup>(۴۰)</sup> همچنین دبیرکل به این نکته اشاره نمی‌کند که مشکل کمیسیون حقوق بشر در سیاسی و گزینشی بودن و استفاده از استانداردهای دوگانه بوده است. در واقع مشکل اصلی ناشی از طرح قطعنامه‌های کشوری تحت ماده ۹ در دستور کار کمیسیون می‌باشد<sup>(۴۱)</sup> که منجر به دسته‌بندی‌های سیاسی و رنجش برخی از کشورها در عملکرد سیاسی کمیسیون بوده است. ولی این رویه همچنان باقی می‌ماند و برخی کشورها هم بر ماندن این شیوه در سازوکارهای حقوق بشری ملل متحد پای می‌فشارند.<sup>(۴۲)</sup> البته در اینکه کمیسیون حقوق بشر دارای کاستی‌هایی است، نمی‌توان تردیدی داشت، ولی نکته مهم این است که بدانیم مشکلات کمیسیون چیست و کجاست؟ به نظر می‌رسد که مشکلات کمیسیون در موارد زیر به چشم می‌خورد:

۱. سیاسی و گزینشی بودن؛
۲. بهره‌گیری از استانداردهای دوگانه؛
۳. دسته‌بندی‌های سیاسی ناشی از طرح قطعنامه‌های کشوری، ذیل ماده ۹ دستورکار کمیسیون؛
۴. کاستی‌های کمیسیون در ارزیابی صحیح از پیشرفت‌های حقوق بشری در کشورهای جنوب؛
۵. نیاز بیشتر به گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی و تمدنی در حیطه حقوق بشر؛

۶. ناهماهنگی در به‌کارگیری دو کارکرد کمیسیون در زمینه حمایت<sup>۱</sup> و گسترش<sup>۲</sup> حقوق بشر؛

۷. پررنگ بودن برخوردهای گزینشی Naming & Shaming و به‌کارگیری قطعنامه‌های کشوری؛

۸. عدم توجه به کارکرد همکاری درونی<sup>۳</sup> در کمیسیون حقوق بشر؛

۹. پیچیدگی سازوکارهای حقوق بشری کمیسیون به ویژه برای قربانیان نقض حقوق بشر؛

۱۰. نیاز به هماهنگی بیشتر کمیسیون و کمیساریای عالی حقوق بشر.

ضمن اینکه در هیچ‌یک از سه نوشتار یاد شده به موضوع جایگاه کمیسیون فرعی پشتیبانی و گسترش حقوق بشر اشاره‌ای نشده است. اینکه آیا این کمیسیون همچنان به کار خود ادامه خواهد داد؟ مقصود از شورای مشورتی پیشنهادی در گزارش گروه کاری چیست و رابطه آن با این کمیسیون فرعی چه می‌شود؟ در هر حال موضوع کمیسیون فرعی و جایگاه آن در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.<sup>(۴۳)</sup> همچنین پیشنهاد شورای حقوق بشر که هم در گزارش گروه کاری، هم گزارش دبیرکل و هم پیش‌نویس سند رئیس مجمع عمومی آمده، دارای کاستی است. زیرا حذف کمیسیون حقوق بشر و جایگزین نمودن شورای حقوق بشر به جای آن، دشواری‌ها و کاستی‌های موجود در عملکرد کمیسیون را از بین نمی‌برد.<sup>(۴۴)</sup> ضمن اینکه با توجه به افزایش واحدهای سیاسی عضو در سازمان ملل متحد؛ شمار اعضا در شورای حقوق بشر باید افزایش یابد، حال آنکه چنین چیزی مدنظر قرار نگرفته و متن پیش‌نویس سند رئیس مجمع عمومی نیز شمار اعضای شورا را متناسب با شمار اعضای کمیسیون حقوق بشر خوانده است، نه متناسب با اعضای سازمان ملل متحد.<sup>(۴۵)</sup>

قرار دادن شورای حقوق بشر در کنار مجمع عمومی یا یکی از ارگان‌های زیرمجموعه آن نیز به معنای جداکردن نهاد حقوق بشری سازمان ملل متحد از شورای

1. Protection
2. Promotion
3. Internal Cooperation

اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) است.<sup>(۴۶)</sup> فرجام این امر دوری میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حقوق مدنی و سیاسی است و این یعنی دوری نهاد حقوق بشری سازمان ملل متحد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بیشتر به تقویت حقوق مدنی و سیاسی می‌انجامد. البته در متن پیش‌نویس سند رئیس مجمع عمومی به موضوع همه نسل‌های حقوق بشر توجه شده است.<sup>(۴۷)</sup> اما این نکته روشنی است که ما با جدا کردن نهاد حقوق بشری ملل متحد (شورای حقوق بشر پیشنهادی) از اکوسوک به گونه‌ای به موضوع جدایی میان نسل‌ها دامن زده‌ایم.<sup>(۴۸)</sup> به همین دلیل، کشورهای جنوب نشست‌هایی را تشکیل دادند و نظراتی را به سازمان ملل متحد ارائه کردند. هم به باور کشورهای جنوب و هم به باور سازمان ملل متحد و گروه کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی، کمیسیون حقوق بشر دارای چالش‌هایی است، اما راهکار برون‌رفت از این چالش‌ها، آفرینش و جایگزینی نهاد دیگری به نام شورای حقوق بشر نیست.

اگرچه هر سه نوشتار گروه کاری، دبیرکل و ریاست مجمع عمومی بر جایگزینی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر تأکید دارند، ولی متن پیش‌نویس سند رئیس مجمع عمومی تعدیل یافته و میانه‌روتر است و می‌شد آن را دستخوش تغییر بیشتری نمود. بخش چهارم و پنجم پیش‌نویس سند ریاست مجمع عمومی برای ارائه به نشست سران در ۱۴ تا ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵ بود. در این پیش‌نویس همه حقوق بشر چه سیاسی و مدنی و چه فرهنگی و اجتماعی و همچنین حق پیشرفت مورد توجه قرار می‌گیرند.<sup>(۴۹)</sup> همان‌گونه که در گزارش گروه کاری و کتاب دبیرکل درباره شورای حقوق بشر سخن گفته شده بود، در بخش پنجم این پیش‌نویس هم سخن از شورای حقوق بشر آمده است.<sup>(۵۰)</sup> ولی پرسش این است که جابه‌جایی کمیسیون حقوق بشر با شورای حقوق بشر چه بهره‌ای را برای ملت‌های جهان در بر دارد؟ این در حالی است که موضوع توجه بیشتر به کمیساریای عالی حقوق بشر می‌تواند سبب سودمندی در اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی‌های کشورها و ملت‌های جهان در موضوع حقوق بشر شود. همچنین به کمک‌های آنی به قربانیان نقض گسترده حقوق بشر و ارائه کمک‌های فنی و همکاری‌جویانه می‌انجامد. ولی در بازبینی سازوکار حقوق بشری ملل متحد به جای کمک فراگیر به کمیساریا در موضوع‌های گفته شده، به شورای حقوق بشر توجه

شده است. بنابراین، درحالی‌که شمار اعضا، ترکیب یا چگونگی زمان برگزاری این شورا در پرده‌ای از ابهام قرار دارد، اختیارات گسترده‌ای به این شورا داده شده است. از جمله بازبینی دوره‌ای تعهدات حقوق بشری کشورها، مسئولیت شورا در محتوم دانستن جهان‌شمولی همه حقوق بشر، اعطای مقام رکنی به شورا در بدنه و ساختار سازمان ملل متحد و دادن این جایگاه به شورای حقوق بشر که به جای شورای اقتصادی و اجتماعی از رایزنی‌های مشورتی سازمان‌های غیرحکومتی بهره‌بردار (یعنی تغییر ماده ۷۱ منشور ملل متحد). همچنین به دست گرفتن همه اختیارات کمیسیون که در این باره از سازوکار فرایندهای ویژه که دربرگیرنده گزارش‌های کشوری و موضوعی است، هم نام می‌برد.<sup>(۵۱)</sup>

بنابراین، درحالی‌که کشورهای جنوب بر این باورند که اصلاحات بنیادین در کارکرد کمیسیون نیازمند حذف قطعنامه‌های کشوری و برخوردهای گزینشی و Naming & Shaming است،<sup>(۵۲)</sup> ولی شورای حقوق بشر با همان رویه پیشین و حتی رادیکال‌تر از آن به کار خود ادامه خواهد داد که این به جدایی بیشتر و جبهه‌بندی گسترده‌تر میان کشورهای درون شورا می‌انجامد. در واقع شورای حقوق بشر به شدت سیاسی خواهد شد و بلوک‌بندی‌های فرهنگی و سیاسی در آن رادیکال‌تر از کمیسیون حقوق بشر خواهد شد. متن پیش‌نویس رئیس مجمع عمومی هم در موضوع ساختار شورای حقوق بشر همان خواسته‌های کشورهای بزرگ و باخترزمین را مورد توجه قرار می‌دهد<sup>(۵۳)</sup> و به چالش گفته شده در بالا توجهی ندارد. این در حالی است که کشورهای دیگر، خواهان از بین رفتن چالش‌هایی هستند که در کمیسیون حقوق بشر دیده می‌شد، نه اینکه آن چالش‌ها به نهاد دیگری منتقل شوند و همان مشکلات دوباره به شورای حقوق بشر راه یابند.

با این همه، شورای حقوق بشر در شستمین نشست مجمع عمومی سال ۲۰۰۵ طی سند مصوب سران کشورها به تصویب کشورهای عضو سازمان ملل رسید. بندهای ۱۵۷ تا ۱۶۰ این سند به موضوع شورای حقوق بشر و راه‌اندازی این شورا اشاره دارد. شورایی که مسئول ترویج احترام جهان‌شمول و پشتیبانی از همه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی خواهد بود.<sup>(۵۴)</sup> در این سند نیز به موضوع اختیارات بیشتر و توجه

ویژه شورای حقوق بشر به وضعیت حقوق بشر در جهان توجه شده است. ولی شمار اعضا، روش کاری، ترکیب، اندازه، کارویژه‌ها و مواردی از این دست مسکوت مانده است. چنین موضوعاتی در خلال گفت‌وگوهای پس از این نشست (نشست سپتامبر ۲۰۰۵ تا نشست ۲۰۰۶) روشن خواهند شد<sup>(۵۵)</sup> که این موضوع تلاش دوجندانی را از نمایندگان ایران می‌طلبد.

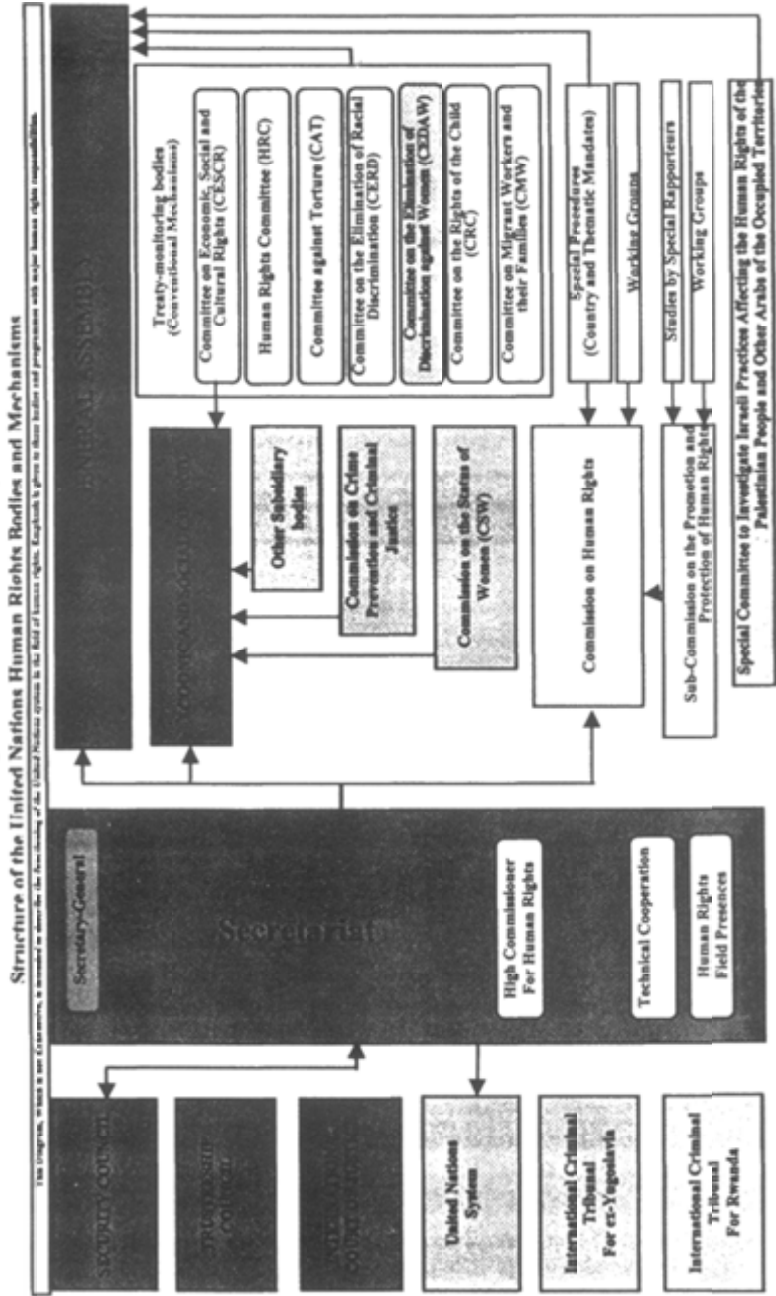
### دستاورد

بازبینی منشور و ساختار ملل متحد در پی تازه‌های قرن بیست‌ویکم بسیار به جا، زیبا و شایسته است. این بازبینی در زمینه مفاد برخی از فصل‌ها، ارکان و نهادهای ملل متحد انجام می‌شود. دستاورد این بازبینی‌ها، کمک به کشورها و بازیگران نظام بین‌الملل برای پیشبرد اهداف پیشرفت، امنیت و حقوق بشر است. تاکنون یک گزارش، یک کتاب و پیش‌نویس یک سند در این زمینه ارائه شده است. گزارش گروه کاری با عنوان جهانی امن‌تر و کتاب دبیرکل «در آزادی بزرگ‌تر» مورد توجه کشورهای شمال و مورد انتقاد بسیاری از کشورهای جنوب قرار گرفته است. تغییرات ساختاری در منشور ملل متحد قوی‌تر از تغییرات محتوایی است و هیچ‌گونه تغییر محتوایی در موضوع حقوق بشر پیش‌بینی نشده است. ضمن اینکه تغییرات ساختاری حقوق بشری نیز همچنان نگرانی‌های موجود و چالش‌های گذشته را از بین نبرده است. به‌رغم اینکه دبیرکل و گروه کاری مدعی اصلاحات برپایه تازه‌های قرن بیست‌ویکم هستند، اما اعلامیه جهانی حقوق بشر همان‌طور باقی می‌ماند.

موضوع حقوق بشر تنها به شیوه ساختاری یا نهادی در سازوکار ملل متحد تغییر می‌یابد و از یافته‌ها و دستاوردهای تازه حقوق بشری دیگر تمدن‌ها، سخنی به میان نیامده است. حقوق خانواده، حقوق زنان، محیط زیست، پیشرفت و حق صلح کمتر و در برخی موارد اصلاً مورد توجه اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار نگرفته‌اند. ایران و کشورهای مانند ایران نیز کمترین مشارکت در موضوع تغییرات ساختاری و برنامه‌های گروه‌کاری را داشته‌اند. بدین ترتیب آنها نتوانستند در آغاز کار گروه کاری دبیرکل بر آن اثرگذار باشند. به‌رغم اینکه برخی از دانشگاهیان ایران در این موضوع بسیار حساس

هستند، اما هیچ‌گونه واکنش رسمی و نهادینه از سوی آنان در این موضوع ارائه نشده است. وزارت خارجه ما در این موضوع دارای مسئولیت سنگینی است. اگرچه این وزارتخانه به همراه نمایندگان چند کشور اسلامی، متنی را به سازمان ملل متحد ارائه کرده‌اند، ولی آنها نیازمند تلاش‌های گسترده‌تری در این زمینه هستند. به ویژه اینکه سران کشورها در شست‌مین نشست مجمع عمومی سندی را به تصویب رساندند که خواهان روشن کردن کم و کیف شورای حقوق بشر است. برابر با این سند، بایستی با گفت‌وگوهای شفاف به روشن کردن وضعیت تعداد اعضا، شیوه کاری، آیین کار شورا، کارویژه، اندازه و دیگر موارد مورد نیاز پرداخت. اگرچه این سند تا اندازه‌ای به خواسته‌های کشورهای جنوب هم پرداخته و شانس ارائه نظر درباره شکل شورا وجود دارد ولی باید با رایزنی‌های ما با دیگر کشورهای همسو، به بازبینی بیشتر درباره شورا پرداخت. چرا که این ضروری است که نگاه ایران و تمدن ایرانی در این شورا پررنگ شود. نهادهای پژوهشی و علمی کشور باید خط‌مشی‌های تصمیم‌گیرانه برای تعیین جزئیات، قدرت و توان شورا و دستورکار آن را ترسیم کنند. رایزنی‌های مورد نیاز باید طی برنامه کاری سازمان ملل متحد انجام شود. سند مصوب سران در مجمع عمومی باید به شیوه کارشناسی، تکنیکی و حرفه‌ای در مراکز پژوهشی بررسی شود و ایران با یک منشور، برنامه یا دستور کار کارشناسی شده وارد نیویورک و ژنو شده و خواسته‌های خویش را ارائه کند. اندکی تأخیر سبب می‌شود تا ما شانس بهره‌مندی از یک کرسی در شورا، قدرت اعمال نفوذ و ارائه خواسته‌های ایرانیان و شانس سازمان‌بخشی به کشورهای حوزه تمدن ایرانی برای ارائه نگاه حقوق بشری ویژه خود را از دست بدهیم. نمی‌دانیم که چرا ایرانیان همواره در هنگام بحران به درستی تصمیم می‌گیرند و یا بدتر اینکه نوش‌داروی سهراب را پس از مرگ او فراهم می‌کنند. شاید این بار بتوان شاهنامه فردوسی را به گونه‌ای دیگر به پایان رساند. ❀

شکل شماره ۱ - ساختار حقوق بشری سازمان ملل متحد



فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) - شماره ۳۰

### پی‌نوشت‌ها:

1. Peter R. Baehner and Monique Casterman - Holleman, *The Role of Human Rights in Foreign Policy*, New York: Palgrave, 2004, p. 11.
2. Nations Unies, *Charte des nations unies et statut de la Cour Internationale de Justice*, New York: Nations Unies, 2004. pp. 1-2.
3. *Ibid.*, p. 2.
4. *Ibid.*, pp. 33-34.
5. *Ibid.*
6. Nations Unies, *Les nations unies et les droits de l'Homme 1945-1995*, New York: Nations Unies, 1995, p. 10.
7. Nations Unies, *Charte des nations unies et statut de la Cour Internationale de Justice*, *op.cit.*, p. 37.
8. *Ibid.*, p. 39.
۹. برای آگاهی بیشتر درباره کمیسیون حقوق بشر بنگرید به: مهدی ذاکریان، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، صص ۹۷ و ۱۲۲-۱۱۶.
10. Nations Unies, *Charte de nations unies et statut de la Cour Internationale de Justice*, *op.cit.*, pp. 44-45.
11. Katerina Dalacoura, *Engagement or Coercion? Weighing Western Human Rights Politics towards Turkey, Iran and Egypt*, London: The Royal Institute of International Affairs, 2003, p. IX.
12. Freedom House, *Freedom in the World 2006*, Selected data from freedom House's annual global security of political rights and civil liberties. February 2006. pp. 2-7.
13. United Nations, *A More Secure World: Our Shared Responsibility, Report of the Secretary-General's High-Level Panel on Threats, Challenges and Change*, New York: United Nations Publications, 2004, p. 5.
۱۴. بندهای ۲۱، ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۴۸ گزارش در:  
*Ibid.*, pp. 14-15 and pp. 47-48.
۱۵. بند ۹۰ گزارش در: *Ibid.* p. 35.
۱۶. بند ۲۰۳ گزارش در: *Ibid.* p. 66.
17. Structure of the United Nations Human Rights Bodies and Mechanisms, <http://www.ohchr.org/english/structure>. 2006.

۱۸. فصل پنجم کتاب حقوق بشر در هزاره جدید، پیشین، ص ۱۳۳-۹۳.
۱۹. بندهای ۲۸۲ و ۲۸۳ گزارش گروه کاری در:  
United Nations, *A More Secure World op.cit.*, pp. 88-89
۲۰. بند ۲۸۳ گزارش در: *Ibid.*, p. 89.
۲۱. بنگرید به بند ۲۸۴ گزارش در: *Ibid.*
۲۲. بند ۲۸۵ گزارش در: *Ibid.*
۲۳. بند ۲۸۶ گزارش در: *Ibid.*
۲۴. بند ۲۸۷ گزارش در: *Ibid.*, pp. 89-90.
۲۵. بند ۲۸۸ گزارش در: *Ibid.*, p. 90.
۲۶. بند ۲۸۹ گزارش در: *Ibid.*
۲۷. بند ۲۹۰ گزارش در: *Ibid.*
۲۸. بند ۲۹۱ گزارش در: *Ibid.*
29. Lori Fisler Damrosch, "The Interface of National Constitutional Systems with International Law: An Institution on Using Military Forces: Changing Trends in Executive and Legislative Powers", in Charlotte ku, *op.cit.*, p. 45.
۳۰. بنگرید به گزارش گروه کاری و همچنین به منابع ذیل:
- Kofi A. Annan, *In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights*, New York: United Nations, 2005.
- The President of the General Assembly, *High-Level Plenary Meeting of the General Assembly, 14-16 September 2005, Draft Outcome Document*, 3 June 2005.
31. Jane K. Cowan, Marie Benedicte Dembour and Richard A. Wilson, *Culture and Human Rights*, Cambridge: Cambridge University Press, 2001, p. 75.
32. Mehdi Zakerian, "The Islamic Republic of Iran and the Universality of Human Rights", *Discourse*, Vol. 2, No. 3, Winter 2001, pp. 80-81.
33. Kofi A. Annan, *We the Peoples: The Role of the United Nations in the 21st Century*, New York: United Nations, 2000.
- United Nations, *Millennium Declaration*, New York: United Nations, 2000.
34. United Nations Management Reforms: 2005, <http://www.un.org/reform/reform-update.html>.
۳۵. محمدجواد ظریف، «تشریح دیدگاه رسمی ایران درباره اصلاحات سازمان ملل متحد»، *روزنامه همشهری*، شماره ۳۷۳۰، ۱۳۸۴/۴/۲، ص ۲.
36. Kofi A. Annan, "In Larger Freedom", *op.cit.*, p. 5.
37. *Ibid.*, p. 6.
38. *Ibid.*, pp. 50-52.
39. *Ibid.*, pp. 63-64.

۴۰. محسن عمادی، «نگاهی به بازنگری سازمان ملل متحد»، میزگرد بازنگری سازمان ملل، ایسنا، ۱۳۸۴/۳/۸.

۴۱. همان.

۴۲. برای نمونه، موضع آمریکا این‌گونه است. ایالات متحده آمریکا طی یک نظریه رسمی در ژنو اعلام داشت که این دولت از قطعنامه‌های متمرکز بر کشورهای که توجه جامعه بین‌المللی می‌تواند بیشترین فشار را بر آنها داشته باشد، پشتیبانی می‌کند.

<http://www.usinfo.states.g.../un-commission-on-human-rights.htm>. p. 1.

همچنین در رابطه با خط‌مشی‌های حقوقی بشری آمریکا بنگرید به:

Jack Donnelly and Debra Liang-Fenton, "Introduction", in *Implementing Human Rights Policy*, ed by Debra Liang-Fenton, Washington D.C.: United States institute of Peace, 2004.

43. <http://www.unhcr.ch/humanriglits.htm>.

۴۴. محسن عمادی، پیشین.

45. The President of the General Assembly, *op.cit.*, p. 21.

46. *Ibid.*

47. *Ibid.*, p. 17.

۴۸. مهدی ذاکریان، «فرایند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال پانزدهم، شماره‌های ۱۵۸-۱۵۷، مهر و آبان ۱۳۷۹.

رها لوسین زهادی، «نسل‌های حقوق بشر»، در کتاب: *مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی*، گردآوری و تدوین: مهدی ذاکریان، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.

- Raha Lucienne Zohadi, "The Generations of Human Rights," *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 1, No. 4, Spring 2005.

49. The President of the General Assembly, *op.cit.*, p. 17.

50. *Ibid.*, p. 21.

51. *Ibid.*, pp. 21-22.

۵۲. محسن عمادی، پیشین.

53. <http://www2.dw-world.de/persian/iran/acktuell..71.129696.1.htm>. p. 1.

54. United Nations, Resolution adopted by the General Assembly, 60/1. 2005 World Summit Outcome, A/RES/60/1, 24 October 2005, p.33.

55. *Ibid.*